

# اعتراف‌های دیرهنگام «دبیر کل» خنده‌رو

«بان کی مون» با افشای فشار مالی عربستان به سازمان ملل در صدد سلب مسئولیت از خود بود



Reformusa

□ **زهرامیرابیان/** سازمان ملل متحد در شرح وظایف خود، چهار محور در نظر گرفته است. صلح و امنیت، حمایت از حقوق بشر، کمک در امور بشردوستانه، ارتقای توسعه پایدار بنابر آرمان‌ها و اهداف هفده گانه مدون سازمان ملل و تدوین حقوق بین‌الملل. در این میان دبیر کل سازمان ملل با وجود تمامی محدودیت‌ها و موانع، می‌تواند در اجرایی کردن محورهای ذکر شده، تأثیر بسزایی داشته باشد. نقش فعال برخی از دبیرکل‌های پیشین سازمان ملل در حل برخی مسائل روز و ابداع شیوه‌های جدید آنان در تعدیل سازی برخی اقدامات سیاسی شورای امنیت، می‌تواند حساسیت و نقش بسیار مهم و اساسی این جایگاه در تأمین صلح را برای ما روشن سازد. دبیر کل سابق سازمان ملل متحد در طول دوره ریاستش بر این سازمان با چالش‌ها و انتقاداتی فراوان روبه‌رو بود، انتقاداتی که بیشترین آن متوجه ادامه دار شدن بحران سوریه و عراق، ناتوانی وی در رسیدگی به بحران پناهندگی و تروریسم است. یکی از وظایف سیاسی دبیر کل سازمان ملل متحد بنابر اصل ۹۹ منشور ملل متحد جلب کردن توجه شورای امنیت به مسائلی است که صلح و امنیت را به مخاطره می‌اندازد. دبیر کل می‌تواند نفوذ قابل توجهی بر فعالیت‌های کشف حقیقت اعمال کند. بان کی مون که در طول ریاستش مسئولیت اجرای سیاست سازمان ملل در خصوص حفظ صلح را بر عهده داشت در ارتقا و توسعه راهکارهایی که بدیل سیستم امنیت دسته جمعی شورای امنیت باشد، کارآمدی لازم را از خود نشان نداد.

در طول مدت دبیرکلی او جهان با بحران‌های جدیدی مواجه شد که اقدامات زود هنگام وی می‌توانست بر روند سیاسی کاری سازمان ملل متحد مؤثر باشد. اقداماتی که می‌توانست در اجرای اصل ۹۹ منشور ملل متحد سیاسی کاری شورای امنیت را تعدیل و توجه جهانیان را بیشتر به مسائل جلب کند. دبیر کل همچنین می‌تواند با درخواست نیروهای حافظ صلح در مناطقی که دچار بحران شده‌اند، از شورای امنیت خواستار حضور نیروهای حافظ صلح شود. راهکاری که شاید حداقل از شدت برخی جنایات ارتكابی در مناطق بحرانی نیز می‌کاست. نمونه‌های زیر اصلی‌ترین بحران‌هایی بودند که شاید در صورت تعهد نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل و دبیر کل از شدت آنان کاسته می‌شد:

و خامت اوضاع انسانی در میانمار، اقلیت مسلمانان روهینگیا که در معرض پاکسازی قومی، جنایت علیه بشریت و جرایم

براحتی مشاهده کرد. قطعنامه‌هایی که این گروه را تروریستی معرفی می‌کند در اوایل سال ۲۰۱۴ و اوایل سال ۲۰۱۵ یعنی سه سال پس از آغاز فعالیت این گروه و انجام جنایات فراوان علیه بشریت، به تصویب رسید.

دبیر کل سابق سازمان ملل متحد با حذف نام عربستان و ائتلاف به رهبری این کشور از فهرست سیاه و افشای فشارهای این کشور در قطع کمک مالی به سازمان ملل تنها در صدد شانه خالی کردن از مسئولیت سنگین خود بود؛ زیرا که بسیاری از دبیرکل‌های سابق سازمان ملل با وجود تمامی فشارهای سیاسی دولت‌های قدرتمند و صاحب حق و تو در شورای امنیت، در طول تاریخ سازمان ملل سعی در به وجود آوردن راهکارهایی داشتند که بتوانند وضعیت مناسب‌تری را از جهت اهداف اولیه سازمان ملل متحد برای جهانیان رقم زنند. افرادی نظیر خاویر پریز دکوئیار و کوفی عنان در شکل‌گیری اقدامات موازی شورای امنیت برای برقراری صلح یاد و خاطره‌ای نیکو از خود بر جای گذارند.

امضای تعهد و توافق پاریس در راستای تغییرات آب و هوا برجسته‌ترین اقدام دبیر کل سابق سازمان ملل متحد بود که در گزارش سالانه و آخرین گزارش آقای بان کی مون از آن به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد ایشان در طول مدت ریاستش بر سازمان ملل متحد مطرح می‌شود. دستاوردی که متأسفانه با وسعت اتفاقات در دنک و تأثیر بر انگیز سال‌های گذشته در زمینه حقوق بشر و بشردوستانه و صلح در سراسر جهان بعید است در خاطر جهانیان باقی بماند.

## سخن آخر

جهان در حالی سال ۲۰۱۷ را شروع کرد که متأسفانه فجایع و اقدامات غیرانسانی، نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل و گسترش بحران تروریسم، بشر را با چالشی دشوار روبه‌رو می‌سازد.

ساز و کارهایی که بعد از جنگ جهانی دوم و با منشور ملل متحد امید می‌رفت، بتواند صلح و امنیت را در جهان به ارمغان بیاورد، بارها و بارها ناقص و بدون استفاده، دستخوش منافع و سیاست بازی می‌شوند و مطابق روال گذشته همچون فجایع رواندا، بوسنی و اینک سوریه و عراق هر روز قربانیان بیشتری می‌گیرند.

با تصویب آخرین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد آتش بس همه‌جانبه در سوریه شاید امیدهایی تازه در راه صلح ایجاد شود. اما نگرانی‌های موجود در مورد ریشه دوانیدن اندیشه‌های افراط‌گرایانه که عامل اصلی بحران امروزی تروریسم هستند، با شدت و قوت آینده را با چالش جدی تروریسم باقی خواهند گذارد. تا زمانی که عزمی جدی برای برقراری صلح از سوی دولت‌هایی که مطابق منشور مسئول صیانت از صلح هستند، وجود نداشته باشد، تروریسم و بحران‌های ناشی از آن از میان نخواهند رفت.

جنگی از سال ۲۰۱۱ بودند، در سال‌های اخیر متحمل رنج‌های بیشتری شده‌اند. جنگ یمن و مداخله نظامی در کشور یمن در سال‌های گذشته فاجعه انسانی شرم‌آوری را برای انسانیت رقم زده است. بمباران‌های هوایی پیاپی نیروهای ائتلاف در یمن و کشته شدن هزاران نیروی غیر نظامی. بی‌توجهی به واقعیت بحران یمن و ساز و کارهایی که می‌توانست واقعیت را برای جامعه جهانی آشکارتر سازد. استفاده از بمب‌های خوشه‌ای توسط نیروهای ائتلاف، خود جرایم جنگی محسوب می‌شود. بی‌تفاوتی در جلب توجه جهانیان و دولت‌ها یا حتی اعمال فشار به شورای امنیت در جهت توجه به وضعیت بحرانی پناهندگان از دیگر کاستی‌های سازمان ملل تحت دبیرکلی بان کی مون بود.

بی‌تفاوتی به رشد و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در منطقه از سال ۲۰۱۱. این کم‌توجهی را می‌توان در تأخیر چند ساله شناسایی داعش به عنوان گروهی تروریستی از سوی سازمان ملل



Aljazeera

همکاری و اعتماد اساس و بنیان جامعه بحرینی است و تساوی امکانات برای مردم از وظایف دولت در قبال مردم است. این در حالی است که شیعیان بحرین همواره از نبود عدالت و مساوات در جامعه بحرین شکایت کرده‌اند. همچنین بر اساس ماده ۱۷ این قانون تابعیت حق مسلم و اولیه کلیه اتباع بحرینی است و نمی‌توان آن را سلب کرد مگر در صورت خیانت بزرگ و آن هم با صلاحیت قانون. بند دوم این ماده قانونی نیز تصریح می‌کند، نمی‌توان اتباع بحرین را از کشور تبعید کرد یا مانع از بازگشت آنان از ورود به کشور شد. با این حال در چند سال اخیر که مردم بحرین دست به قیامی عمومی زده‌اند، تابعیت بسیاری از آنان لغو شده است.

ماده ۱۸ قانون اساسی بحرین نیز می‌گوید: قانون برای همه اتباع یکسان است و بر اساس کرامت انسانی تعریف می‌شود و نباید میان افراد به دلیل جنسیت، اصلیت، دین یا عقیده تمایز قائل شد.

این سه ماده از قانون اساسی بحرین به همراه مواد ۱۸ تا ۲۹ این قانون اساسی به حقوق اجتماعی افراد اختصاص دارد و در جای جای آنها به صیانت و حفاظت از کرامت انسان تأکید می‌شود. ماده ۱۷ قانون اساسی بحرین اختصاصاً به سلب تابعیت اشاره داشته و آن را منوط به خیانت بزرگ، می‌دارد.

حال، این سؤال از سیستم قانونگذاری بحرین به ذهن می‌آید که آیا تمامی ۲۵۰ نفر مرتکب خیانت بزرگ شده‌اند یا اینکه تمامی افرادی که در تمامی این سال‌ها از آنان بدون رجوع به محاکم قضایی سلب تابعیت شده‌اند در زمره این خیانتکارانند. بر اساس دیگر مواد قانون اساسی بحرین آیا می‌توان انتقاد به عملکرد دولت در سرکوب

اعتراضات مردمی را خیانت به منافع ملی یک کشور تلقی کرد؟

## سخن آخر

ساختار سیاسی و حقوقی بحرین به گونه‌ای است که به صورت نهادین تبعیض علیه اکثریت شیعه مذهب این کشور را ممکن و استمرار می‌بخشد و همین امر سبب شده طی سال‌های گذشته بارها مردم این کشور به تبعیض‌ها و نقض حقوق بشر از سوی رژیم آل خلیفه اعتراض کرده و هزینه‌های مختلفی را متحمل شوند.

با وجود گزارش‌های تدوین شده در مورد نقض حقوق بشر در بحرین در طول سال‌های اخیر و اذعان شورای حقوق بشر به این نقض کامل روشن است که جامعه جهانی، مخصوصاً آمریکا در عین آگاهی

از عواقب انسانی سرکوب مردم بحرین، ترجیح داده‌اند در راستای منافع سیاسی، تعهدات حقوقی بین‌المللی خود را نادیده بگیرند و برخلاف وجدان عمومی در سراسر جهان عمل نکنند. تأثیرات کوتاه مدت منافع قدرت‌ها در مناطق تحت نفوذ خود شاید در کوتاه مدت به سود سیاست خارجی آنان باشد، اما واقعات دنیای امروز و بحران‌های پیاپی در جهان نتیجه این نگاه منفعت طلبانه و کوتاه مدت قدرت‌ها و هم‌پیمانانشان در جهان است. بی‌اعتنایی به اعمال قوانین موضوعه حقوق بشر می‌تواند مقدمه‌ای بر شکل‌گیری بحران‌های متعدد و پایمال ساختن تلاش‌های جامعه بشری در رسیدن به جهانی آکنده از صلح باشد.